

استقلال

گر آزادی به پای دیگران ایستاده گس باشد

چه معنا دارد استقلال تا وا بسته گس باشد

از چه بنویسم؟ از نبرد های آزادی خواهان، دلاوران و آزاده مردان این ملت بزرگ و قهرمان که فرق اسکندر و پای جنگیز و پوز انگریز را شکستند، از مبارزات آزادی خواهانه مردم افغانستان و غازی امان اله خان و یا از حوادث تلخ تاریخ، از مداخلات و تجاوز همسایه گان، از جنگ های تحمیلی، و یا از خون و آتش، از



ارتجاع و استبداد یان تشنه به خون، از قربانیان جنگ سه دهه اخیر در افغانستان، از آواره گی بیش از پنج میلیون انسان رنج دیده این سرزمین، و یا کمی هم از خیره سری و قلدری زور گویان و مستبدین داخلی، از خود کامه گی ها و خشونت، از تکبر منشی صاحبان زر و زور از مرگ آفرینان قرن و یا غارتگران و تفرقه افکنان قومی، لسانی، سمتی و نفاق افکنان مذهبی، از رابطه ظالمانه آقایی و غلامی، از قصر های بلند و از

زندگی های شاهانه و ثروت باد آورده همچو باران باریده بروی ریگ، و یا از قول و قرار های پشت پرده و از معاملات ننگین و شرم آور، از وابستگی های اقتصادی و یا از پیامد های این تراژیدی نکبت بار و درامه های بزرگ، از وضعیت جانکاه یتیمان، بیوه زنان، مریضان گدایان گرسنه گان ساکنان خیمه های مندرس مردم بیخانمان و ملیونها انسان آواره، بیکاران، بیماران و داد خواهان محروم و مظلوم کشور و یا از آنسوی از نا برابری های اجتماعی، از سنگینی هزینه جنگی بشانه ملت هر دم شهید، از ملتی که نود سال پیش پوزه استعمار را بزمین مالید و پس از یک دوره رکود، راه ترقی خواهانه را در پیش گرفت که اکنون کفاره آنرا می پردازد. و بزعم دشمنان افغانستان دار دراه قهقرایی و قبيله یی رامی پیماید تا زمینگیرش سازند که هر گز نه.

ملتی که در آتش جنگ سی ساله پیوسته می سوزد از لحاظ اقتصادی در سرزمینش مسئله نان تاهنوز حل نگردیده است و از لحاظ سیاسی با پایه های لرزان مسیر خود را به سختی می پیماید و از نگاه اجتماعی با نابرابری های فراوان دست و پنجه نرم میکند . هنوز جنگی نا تمام شده از آنسوی سرحدات و از خاک پاکستان ، جبهات تازه طرح ریزی میشود . عقب گرایان تروریست و فنده منتالیست در تبابی با ولینعمتان پاکستانی شان میخواهند با زیر پا گذاشتن معیار ها و کرامت انسانی بار دیگر آتش نفاق را در افغانستان شعله ور ساخته ، کلیه ارزش های ملی و تاریخی مردم افغانستان را آماج گرفته و به خاک و خون بکشاند .

باز به سنگ میزنند فرق سری شکسته را باز به جنگ می کشند قوم زجنگ خسته را

باز به رنگ دیگری چیره شود ستمگری تا که بخاک و خون کشد خلق بغم نشسته را

خون غریب و بیگناه ریزد همیشه بر زمین چرخ فلک به بر کشد قامت رو نه شسته را

تا نکنیم اتحاد ، تا نشود همه یکی کس نتوان مهار کرد ، خصم لگام گسسته را

تا نشوی بپای خویش ، تا نکشی صدای خویش + کس نکند تلافی چشم و زبان بسته را

حق ، عطا نمیشود ، بلکه گرفته میشود عزم و اراده می سزد جامعه خجسته را

با توجه به اوضاع جاری در افغانستان یعنی جنگ تحمیلی از سوی خارج و نابسامانی های داخلی ، ضعف اداره دولتی ، گسترش جنگ و نا امنی در شهرها و دهات کشور ، چنانیکه گفته آمدیم فقر و مرض بیکاری و بی سرنوشتی ، نفوذ روز افزون مخربین همسایه در کشور مظلومیت ملت هر دم شهیدان یکسو و مسئله سالگرد استقلال کشور از سوی دیگر قابل توجه پنداشته میشود .

طوریکه معلوم است اکثریت علما و دانشمندان اعم از متقدمین و پیشکسوتان دانش فرهنگ قدیم تا پیش گامان جهان متمدن عصر حاضر در رابطه به استقلال و آزادی نظریات مشابه ارایه داشته اند و برغم تمایزات الفاظ و کلمات ، مفاهیم مشترکی را در رابطه به استقلال و آزادی رقم می زنند . چنانچه جمعی از نخبه گان افغانستان را عقیده بر آن است که پس از نود سال افغانستان در همان نقطه ای قرار دارد که پیش از بدست آوردن استقلال بود و بعد از نود سال متأسفانه افغانستان در همان نقطه ای قرار دارد که قبل از وصول استقلال قرار داشت . و مشکلات دیروزی

در امروز نیز ادامه دارد. گویند بقول معروف استقلال مقوله پیچیده سیاسی و فرهنگی است که در طول تاریخ از آن برداشت‌های مختلف شده است. بعضا کارشناسان و دانشمندان معتقدند که استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی معنا ندارد. اگر هم معنایی داشته باشد ناقص است. به گفته آنها یکی از اهداف ابتدایی استقلال سیاسی ایجاد یک دولت ملی است ولی متنا سفانه علی‌الرغم تلاش‌های که صورت گرفته است هنوز نتوانسته ایم مولفه‌های ابتدایی یک دولت ملی را در افغانستان بوجود آوریم. یکی از این مولفه‌های ابتدایی مشخص بودن مرزهای سیاسی و جغرافیایی کشور هاست. از دیگر مولفه‌ها تعریف رابطه شهر و ندان درین کشور هاست. درین جا دیده می‌شود که تفوق طلبی‌ها، ضعف یک دولت ملی، عدم تفکیک بیگانه ستیزی از تمدن ستیزی و ترقی ستیزی بر استقلال کشور تاثیر ناگوار وارد کرده است. اگر استقلال تبارز حاکمیت یک جامعه و یا یک ملت است و در زندگی امروز ما تمثیل مستقلانه حاکمیت است در عرصه سیاست داخلی و خارجی مبتنی بر حاکمیت ملی مردم است. برخی‌ها هم با توسعه مفهوم استقلال از آن به آزادی تعبیر می‌کنند. و آنرا در برابر استبداد، قابل مقایسه می‌دانند و اکثر دانشمندان هر نوع استبداد را در تضاد با مفهوم استقلال میدانند. استقلال عاری از هر گونه شکل استبداد در بعد داخلی و خارجی می‌باشد. وقتی یک کشور میتواند ادعای استقلال کند که از تمام استبدادها رهایی یافته باشد. افغانستان نودمین سال استقلال خود را جشن می‌گیرد و این جشن هم چنانچه که میتواند یاد آور برهه ویژه از تاریخ این کشور باشد. برای افغان‌ها این فرصت را نیز به ارمان می‌آورد تا نسبت به رابطه خود با استقلال بیاندیشند و به نگرش‌های تازه‌ای دست یازند. چنانچه بقول معروف آزادی در لغت به معنی صاحب اختیار، وارسته، اصیل، نجیب که در عربی هموزن آن کلمه استقلال است. و استقلال به معنی آزادی داشتن، به آزادی کاری را کردن بدون مداخله کسی کار خود را کردن، مستقل بودن، اما آزادی به معنی وسیع کلمه در مورد مردم و سرزمینی، آزادی به معنی آزاد از هر نوع قید و بند سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و عقیدتی است. تا زمانی که ما بیکی از این شاخه‌ها جبرا وابستگی داشته باشیم آزادی ما زیر سوال میرود. هر قوه و یا جبریکه بدون اراده عمومی همان مردم توده یا کشور بر آن فشار داده و مردم را وادار نماید تا خلاف میلش کاری را انجام دهد، آزادی گفته شده نمیتواند زیرا تخطی از تصامیم دسته جمعی مردم یک ساحه یا یک کشور ولو توسط فردی بگفته فرد ریش انگلس از همان جامعه صورت بگیرد تخریش کننده آزادی بوده و آنرا متاثر و از محتوا خالی میسازد. وقتی جامعه به اشکال مختلف آزادی مانند آزادی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و عقیدتی دسترسی پیدا کنند آن وقت می‌تواند ادعای آزادی کند زیرا آزادی سیاسی در حقیقت آزادی عملکرد یک دولت مقابل یک دولت دیگر و یک فرد مقابل یک فرد دیگر و یا عملکرد افراد مقابل اداره‌ها و شخصیت

های حقوقی و بر عکس آن تا منافع و آزادی های اقتصادی و اجتماعی و عقیدتی دول ویا مردم را مصئون و بی خطر سازد. بعضی ها به این عقیده اند که آزاد و غیر آزاد بودن بیشتر در اقتصاد و روابط اقتصادی کشورها، شخصیت های حقوقی و افراد ظاهر می گردد یعنی جامعه دارای اقتصاد و متکی به خود یا متکی به دیگران؛ واضح است که در صورت اول آزاد و در صورت دوم وابسته است. البته بین استقلال و دموکراسی مفهوم نزدیک وجود دارد. دموکراسی در بعد داخلی، حاکمیت و استقلال در بعد خارجی آن موارد بحث قرار می گیرد حاکمیت تجلی اراده یک ملت در تعیین سرنوشت خود بدون تعلیق از اراده و تصمیم کشور های دیگر است.

خدا آن ملتی را سروری داد که تقدیرش بدست خویش بنوشت

به آن ملت سرو کاری ندارد که دهقانش برای دیگران کشت

و استقلال بیانگر عزم و اراده ملی در جلوگیری از مداخله خارجی در امور داخلی یک ملت است. ازین رو استقلال با دموکراسی پیوند ناگسستنی دارد. چرا که دموکراسی بنا به بیان اعلامیه وین 1993 مبتنی بر تجلی آزاد اراده مردم در تعیین نظام سیاسی اقتصادی اجتماعی فرهنگی مشارکت کامل در تمام ابعاد زندگی ایشان میباشد. برداشت اعلامیه وین از دموکراسی که قدیم ترین تعریف آن در دموکراسی یونان قدیم آن (دیمو)

مردم و (کراتن) حاکمیت و برداشت های سنتی دموکراسی مترادف به حق تعیین سرنوشت و بیان دیگر حاکمیت در بعد خارجی خود ضمن رقابت و همکاری با حاکمیت های دیگر و ضمن حمایت از اصل برابری به دفاع از منافع و هویت ملی می پردازد. که موفقیت دولت ها مستلزم بسیج و عزم و توان ملی و احترام به حق مردم در تعیین نظام سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تضمین مشارکت آنان در تحقق حق تعیین سرنوشت شان می باشد. البته اصل حاکمیت بر برابری و استقلال دولت ها تاکید می کند اصولی هستند که برای تنظیم مناسبات جهانی بصورت مطلق وجود دارند. بنا بر آن لزوم احترام متقابل میان دولت ها به استقلال و حاکمیت یک دیگر امر ضروری و لازم است. در حقوق بین المللی واحد های سیاسی باید از حاکمیت بر خوردار باشند. تا دولت تلقی شوند و لازمه این حاکمیت استقلال است بعضی حقوق دانان حاکمیت را معیار دولت بودن نمی دانند و در مقابل، استقلال را معیار اصل دولت بودن می دانند البته سازمان ملل ضمن تاکید بر برابری حاکمیت دولت ها و لزوم تشریک مساعی احترام به استقلال کشورها را مهم می داند.

در حالیکه نودمین سالگرد استرداد استقلال کشور عزیز را به هموطنان آزاده و آزادی دوست و ترقی خواه تبریک و تهنیت می گویم امید وارم که مردم شریف و نجیب افغانستان در یک صف واحد مبارزه به خاطر قطع جنگ و خون ریزی به منظور تامین صلح و امنیت، عدالت اجتماعی و دموکراسی، رشد رفاه همگانی و انکشاف فرهنگ، بدور وطنپرستان واقعی وطن جمع شده در سنگر کار و مبارزه، قلم و سیاست و در جبه صلح و دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی گام های وطنپرستانه شان را به جلو بردارند .

گرامی باد نام شهیدان راه آزادی و استقلال، صلح و دموکراسی و عدالت اجتماعی در افغانستان . زنده باد صلح، آزادی و دموکراسی در سراسر جهان . عبدالوکیل کوچی

رفقا، دوستان عزیزتارنمای وطندار ! لطفاً نظرات، پیشنهادات، انتقادات، مقاله ها، نوشته ها، مضامین و

مطالب علمی و تحلیلی خود را جهت نشر به ادرس پوست الکترونیکی سایت بفرستید

admin@vatandar.at



مدیر مسوول : دپلوم انجنیر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز : انجنیر نجیب یوسفی

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

برگشت به صفحه نخست

<http://www.vatandar.at/>

بقیه گزیده های مقالات عبدالوکیل کوچی

<http://www.vatandar.at/kochi.html>